

شناختی از کرد و کردستان

زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و هنری کرد، تا امروز کمتر با روش تحقیقی و علمی، بررسی و مطالعه شده است و در این راه ما ایرانیان از هر قوم و ملتی بیشتر کوتاهی کرده‌ایم زیرا همبستگی نژادی ما صحبت از امروز و دیروز نیست، آنرا نه ابتدایی و نه انتهایی است. در ازای این همبستگی چه قدمی جهت شناساندن قسمتی از خانه خود و ساکنانش برداشته‌ایم؟ هیچ! - کتابهایی که در این زمینه به وسیله محققان ایرانی نوشته شده‌اند آنقدر ناچیز است که در یک کیف دستی می‌توان آنها را جا داد. مجموعه کتابهای کردی و کردشناسی که به وسیله دانشمندان ایرانی نوشته شده‌اند و در کتابخانه‌های ما ایرانیان در دسترس عموم قرار دارد به اندازه یک قفسه معمولی نمی‌شود، در حالیکه در کتابخانه‌هایی نظیر «کتابخانه مدرسه مطالعات شرقی و افریقایی دانشگاه لندن»

School of Oriental and African Studies (S.O.A.S), University of London

و دیگر کتابخانه‌های موجود در اروپا و امریکا، به ویژه در آلمان، بخش وسیعی از کتابخانه، به کرد و کردستان و کردشناسی اختصاص دارد و آنقدر کتاب و مجله در این زمینه در آنها دیده می‌شود که ما ایرانیها از دیدن آنها در عین شعف و شادمانی باید، بگوئیم: بسی جای تأسف است که چنین است و به قول حافظ شیرین سخن:

سالها دل طلب جام جم از ما می‌کرد / آنچه خود داشت زیبگانه تمنا می‌کرد -

بسی جای تأسف است که چنین است ما ایرانیان بررسی و پژوهشی درخور سرزمینی چون کردستان (البته فقط کردستان و مردم کرد غرب ایران) نتوانسته یا احیاناً نخواسته‌ایم کاری را انجام دهیم. هرچند قدمهایی توسط پژوهندگان و محققان برداشته شده برای نمونه در زمینه ترجمه: ۱ - با این رسوائی چه بخشایشی؟ تحلیل مسائل سیاسی

کردستان نوشته جانانان رندل ترجمه به فارسی ابراهیم یونسی انتشارات پانیند چاپ ۱۳۷۹ س تهران، ۲ - تاریخ معاصر گرد دید مک داول نشر نی ترجمه ابراهیم یونسی، ۳ - روابط ترکیه و ایران و مسأله کرد نوشته رابرت آمن نشر پانیند، ۴ - قیام شیخ سعید پیران نوشته رابرت آلسن نشر پانیند ۱۳۷۸ ش، ۵ - آغا، شیخ، دولت نوشته مارتین وان بروئن سن نشر پانیند ۱۳۷۹ ترجمه ابراهیم یونسی، ۶ - کردها و کردستان نوشته درک کینان چاپ دوم ترجمه ابراهیم یونسی ۱۳۷۶ ش انتشارات نگاه. ۷ - کردها، نوشته وانلی کندال، نازدار ترجمه به فارسی ابراهیم یونسی چاپ دوم ۱۳۷۲ ش، انتشارات روزبهان، تهران. ۸ - جنبش ملی گرد نوشته کریس کوچرا ترجمه فارسی ابراهیم یونسی چاپ دوم ۱۳۷۷ ش، انتشارات نگاه، ۹ - کردها، ترکها و عربها نوشته سی، جی، ادموندز ترجمه ابراهیم یونسی چاپ ۱۳۷۶ ش، انتشارات روزبهان. در زمینه تألیف ژنرال احسان نوری پاشا کتاب ریشه نژادی گرد به فارسی چاپ ۱۳۳۲ ش تهران - ۲ - نگاهی به تاریخ مهاباد تحقیق و تألیف سید محمد صمدی چاپ ۱۳۷۳ ش انتشارات رهرو - نظری به تاریخ و فرهنگ سقز تحقیق و تألیف عمر فاروقی چاپ ۱۳۷۴ ش، ۳ - مونوگرافی سقز تألیف و تحقیق مصطفی کاوه چاپ ۱۳۷۰ ش چهار تبریز - ۴ - شورشی کردهای ترکیه تألیف و تحقیق کاوه بیات تهران - ۵ - قهرمانان ملت گرد از آغاز تاریخ تا نهضت ژنرال مصطفی بارزانی رهبر کبیر همیشه جاوید ملت گرد تألیف و تحقیق علامه استاد محمد سعید ابراهیمی (آویر) به زبان کردی به نثر و به شعر چاپ ۱۳۸۲ ش، تندیس نقره‌ای تهران. - ۶ - تاریخ کرد و کردستان آیه الله شیخ محمد مردوخ شهیر و نامدار کردستانی. ۷ - دکتر رشید یاسمی کرمانشانی تاریخ گرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او به شیوه سانسور و با فشار رضاخان تحریر گردیده که خود در آن کتاب اعتراف و عذرخواهی کرده است. ۸ - تألیفات کلیم الله توحیدی در زمینه (حرکت کردها به خراسان) در ۷ مجلد.

ولی باید گفت: استرابون، کسنفون و منابع ارمنی، طبری، ابن مسکویه، مسعودی، ابن اثیر، ابن خلکان و دینوری و دیگر مؤرخان اسلامی، تاریخ مدون و روشنی از تاریخ زندگی کردها به دست نمی‌دهند، بعضی از آنان کردها را سلحشورانی خستگی‌ناپذیر و دیرآشنا و سرسخت و بیابان‌گرد، معرفی می‌کنند و بعضی دیگر با آوردن داستانهای خرافاتی و افسانه‌آمیز اصل و نسب کردها را مشخص کرده‌اند، برخی با گرایش غلط و نادرست، گردان را به اعراب منسوب داشته‌اند. در کتابهای اسلامی آگاهی درباره‌ی کردها غالباً یک‌نواخت بوده و نشان می‌دهد که از یک منبع گرفته شده است، مثلاً با مراجعه به کتابهای مسعودی متوجه می‌شویم که تا چه اندازه مورخان اسلامی درباره‌ی اصل و نسب گردان بی‌راه رفته‌اند. در هر صورت باید اذعان داشت که از میان نوشته‌های دست و پا شکسته است، که می‌توان اطلاعات مفیدی، راجع به تاریخ سیاسی و اجتماعی ملت اصیل کرد به دست آورد. تاریخ «الامم و الملوک» طبری و «الکامل» ابن اثیر را در میان کتابهای مورخان اسلامی، می‌توان بهترین و مهمترین منابع اسلامی درباره‌ی کردها دانست چه این دو تن در روزگاری می‌زیستند که پهنه کردستان میدان تاخت و تاز گردنکشانی بود که می‌خواستند امرا و سلاطین ملت کرد را مطیع خود سازند.

اطلاعاتی که ابن اثیر و طبری درباره‌ی حکومت‌های مستقل کرد، مانند: حسنوبهیان، روادیان، مروانیان، شدادیان و بنوعتاز، ارائه داده‌اند آگاهی‌هایی است که مستقیماً اخذ کرده‌اند، بنابراین تا اندازه‌ای امیدبخش و مورد اطمینان و اعتماد می‌تواند باشد، در این میان آنچه جای تأسف است اینست که در تمامی کتبی که در سده‌های اولیه‌ی اسلامی نوشته شده است گاه به جنبشهای سیاسی و فرهنگی ملت کرد اشاره رفته است و نام بسیاری از مشاهیر آنان آمده است. ولی هرگز ملیت روشنی بایشان داده نشده است و آنان را در میان دیگر چهره‌های اسلامی ناشناخته‌گذارده‌اند؛ به قول شاعر نامدار کرد حاجی قادر «له به ریّ ده‌فته‌ری و ن بوین وفانی». بطور که خواننده می‌پندارد، که هرگز

نام آوری از میان ملت کُرد برنخواست است و آنان همیشه در حالت خوش نشینی روزگار گذرانده‌اند: اما ملت کُرد قهرمانان بزرگ و اندیشمندان و فیلسوفان و مؤرخان و ادیبان و مفسران و محدثان و عرفا و علمای فراوانی را در دامن خود پرورش داده است. کسانی مانند سلطان صلاح ایوبی، - صلاح‌الدین بن ایوب بن شادی در مصر و سوریه دمشق حکومت کرده است (۱۱۸۶ - ۱۲۶۱) و در حلب (۱۱۸۳ - ۱۲۶۰) و در یمن (۱۱۷۳ - ۱۲۲۹). کریمخان زند (حال ۱۱۶۳ هـ ق / ۱۷۵۰ م.)، شیخ اشراق (شهاب‌الدین یحیی بن حبش (۵۴۹ - ۵۸۷ هـ - ۱۱۵۴ - ۱۱۹۱) ولد بسهرورد (ایران) و (عُمر بن محمد، شهاب‌الدین ابو حفص سُهروردی (ت ۶۳۲ هـ / ۱۲۳۴ م) مؤلف عوارف المعارف و بغیة البیان فی تفسیر القرآن. که شیخ سعدی شیرازی و کمال‌الدین بن اسماعیل اصفهانی شاعران نامدار ایرانی مرید این سهروردی بوده‌اند که سعدی در وصفش فرموده است:

مقالات مردان ز مردی شنو	نه از سعدی از سهروردی شنو
مرا شیخ دانای مرشد شهاب	دو اندرز فرمود بر روی آب
یکی اینکه در نفس بدبین مباش	دیگر آنکه در جمع بدبین مباش.

خدمات متقابل استاد شهید مطهری - سهرورد: شهرت در شمال غربی ایران. اهالی آن کُرد بودند، در قرن ۱۰ مغولها در جنگ و حمله بر آن آنرا ویران و نابود کردند. ص ۱۴ المنجد در اعلام چاپ ۱۶ - لبنان ۱۹۸۲ م. اینست که شفیع کدکنی شاعر نامدار ایرانی، در یادبود ۸۱ سالگی محمد قاضی مترجم نامدار به شعر گفته است:

قاضیا! نادره فردا! و بزرگا رادا!	سال هشتاد و یکم بر تو مبارک بادا!
فخر تاریخ و تبار همه ماست ز کُرد:	شیخ اشراق و نظامی دو تن از اکرادا
خان زند، آنکه چنو مادر ایران کم زاد	رستم کُرد بُد امانه که فرخزادا

(مجله دنیای سخن ص ۲۹). و کتاب کوزانی فرهنگ زبان کُردی نوشته محمد صالح

ابراهیمی (شه پوئل) چاپ دوّم ۱۳۷۹/۱۱/۱۵ ش، تهران، ص ۱۱۷. یا تاج‌العارفین ابوالوفای کُرد، که حکیم سنایی در وصفش گفته است:

قرنها باید که تا از پشتِ آدم نطقه‌ای
 ابوالوفای کُرد گردد یا شود (ویس) قَرن
 دیوان سنایی چاپ مروی، ص ۴۸۶ که در ۱۶ ربیع‌الاول سال ۴۱۷ هق متولد و در
 ۵۰۱ هق وفات کرده و همچنین ابوعبدالله شمس‌الدین محمد بن عزالدین بن عادل
 یوسف بزازینی تبریزی (ملا محمد شَرین) ملقب به شیخ مغربی (۷۰۹ - ۷۶۹ هق) در
 وصف تاج‌العارفین ابوالوفای کُرد به شعر گفته است:

این کُرد پرچهره ندانم که چه کرده است

کز جمله خوبان جهان گوی ببردست

موسی کلیم است که دارد ید بیضا

عیسی است کزو زنده شود هر که بمردست.

نک: فلائد الجواهر محمد بن یحیی حنبلی ص ۸۱ - ۸۰ و بهجة الاسرار شطنوفی ص ۱۴۳ به نقل از شرح احوال و آثار دو بیتهای باباطاهر عوربان چاپ دوّم سلسله آثار ملی ۱۱۳ به کوشش دکتر جواد مقصود ص ۵۰ چاپ ۱۳۵۴ ش - تاریخ‌المعتبر فی انباء من العبر قاضی القضاة مجیرالدین علی مقدسی حنبلی، و کتاب علماؤنا فی خدمة العلم والدین - ترجمه به فارسی احمد حواری نسب، ص ۳۳۸ تا ۳۳۷ چاپ ۱۳۶۹ ش روزنامه اطلاعات تهران - کتاب زریزه‌ی زیرین ص ۴۸۶ نوشته محمد صالح ابراهیمی (شه پوئل) به زبانی کُردی چاپ ۱۹۹۹ م آراس. - دیوانی شمس مغربی ملا محمد شیرین که لبالب است از اشعار به لهجة پهلوی، کُردی، ص ۳ و ۱۰۷ و ۱۰۸ چاپ ۱۳۵۸ ش و مجموعه مقالات کونگره‌ی بزرگداشت حکیم مولوی کُرد چاپ ۱۳۷۱ ش. انتشارات صلاح‌الدین ایوبی، شهر ارومیه. یا علامه ابوسعود عمادی آمیدی محمد افندی شیخ الاسلام حنفی مفتی، ابن شیخ محمد محی‌الدین شیخ‌السلطان عمادی اسکلیبی کُرد، که

در ۹۴۴ بمقام قضاوت و در ۹۵۲ بمقام شیخ الاسلام و مفتی اعظم امپراطوری عثمانی نایل و تا آخر عمر که در ۹۸۲ هجری وفات یافته و ۸۴ سال عمر مبارکش بوده است در مقام مفتی و شیخ الاسلام بوده و در جوار ابوانصار صحابی در استامبول مدفون است و تفسیری بنام (ارشاد العقل السليم الى مزايا الكتاب الكريم) بر قرآن نوشته و در مصر چاپ شده و دوبار از طرف سلطان بایزید عثمانی جایزه، به آن تفسیر اعطا شده است و پر از نکات علمی و هنری و فلسفی و ادبی و آنرا به دریای موج تشبیه کرده‌اند، که محمد صالح ابراهیمی (شه پهل) در ترجمه تفسیر قرآن به زبان کردی از این تفسیر بسیار استفاده کرده است. یا از اصحاب رسول خدا کسانى مانند جابان الکردي و ابوبصير ميمون ابن جابان الکردي که حدیث را از رسول اکرم (ص) روایت کرده‌اند، نک: الاصابه فی اسماء صحابه حرف ج: تألیف حافظ بن حجر عسقلانی و (مسند صغیر و مسند کبیر) و مشاهیر کرد بابامردوخ روحانی شیواج ۱ - ص ۱ چاپ ۱۳۶۴ ش سرورش تهران یا شخصیت مانند ابوالفدای ایوبی آن شاهزاده کرد که کتاب جامع المسانید در حدیث تألیف و همچنین کتاب تاریخ البشر به نام تاریخ ابوالفدا در چهار مجلد تألیف کرده و به زبانهای اروپایی نیز ترجمه شده است و همچنین کتاب تقویم البلدان را تألیف (۶۷۲ - ۷۳۲ هجری) طبقات شافعیه ج ۶ ص ۸۴ و آداب اللغة العربیة ج ۳ ص ۸۷. و لغتنامه دیبهدا ص ۷۱۲ - یا بَرزَنجی، محمد بن عبدالرسول بن عبدالسید (۱۰۴۰ - ۱۱۰۳ هجری / ۱۶۳۰ - ۱۶۹۲ م) اهل روستای برزنجه در شهرزور در کردستان عراق که تفسیری بنام (انهارالسلسیل لریاض انوار التنزیل) بر قرآن نوشته و چندین کتاب مفید دیگری را تألیف کرده و نابغه و نادره روزگار خود بوده و به احیاکننده سده ۱۱ هجری نام داراست و نزد علامه محمد شریف گورانی کردی و علامه ابراهیم بن حسن گورانی کردی در شهر مدینه تحصیل کرده و بعداً مدرس شهر مدینه شده است و در بقیع در مقبره برزنجهها مدفون گشته است. نک دایرة المعارف بزرگ اسلامی ج ۱۱ تهران

۱۳۸۱ ش ص ۷۰۴ تا ۷۰۵ و زانایانی کورد ج ۶ نوشته محمد صالح ابراهیمی (شه پوئل) به زبان کُردی آماده چاپ ص ۳۰ شماره‌ی ۱۳ - یا ابن خلکان (۱۲۱۱ - ۱۲۸۲) مُورِّخ، قاضی القضاات مؤلف کتاب وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان و هو معجم تاریخی شهیر، و بنوالثیر: که سه برادرند: ۱ - ابوالحسن علی عزالدین (۱۱۶۰ - ۱۲۳۴) مؤلف الکامل در تاریخ، اسدالغابه فی معرفة الصحابه، تحفة العجائب و طرفة الغرائب و اللباب در انساب - ۲ - مجددین ابوسعادات مبارک (۱۱۴۹ - ۱۲۱۰) فقیه، عالم به قرآن و حدیث و نحو - مؤلف: نهاییه در غریب حدیث و اثر - جامع اصول در حدیث رسول - ۳ - ضیاءالدین نصرالله (۱۱۶۲ - ۱۲۳۹) وزیر ملک افضل فرزند سلطان صلاح‌الدین ایوبی، ضیاءالدین مؤلف کتاب مثل سائر در ادب کاتب و شاعر می‌باشد. ضیاءالدین ابن اثیر در این کتاب اخیر دربارهٔ فردوسی توسی و شاهنامه او قضاوت بغایت عالمانه‌ای کرده است از نظر فن ادب و نقد شعر بیهمتاست و از نقطه تاریخ ادبی ایران و شعر و شاعری ایرانیان بی‌نهایت مهم است، زیرا این قضاوت از طرف دانشمندی است که مقام وی در فنون شعر و ادب و انشا در تمام عالم اسلامی در اوج رفعت بوده است و فیلسوفی مانند ابن خلکان که همتای پلور تارک بوده است، برای زیارت ضیاءالدین ده بار از اربل: (هه‌ولیر) به موصل سفر کرده است (نک: وفيات الاعیان (۳ - ۶۵ الوطن بمصر) - ضیاءالدین نوشته است: فردوسی در نظم شاهنامه که ۶۰ هزار بیت شعر است، و مشتمل بر تاریخ ایران و در حکم قرآن ایرانیان بشمار است و فصحای عجم اتفاق دارند که در زبان پارسی فصیحتر از آن اثری پدید نیامده است. در صورتی که چنین چیزی در زبان عربی وجود ندارد. با وجود اینکه لغت عرب بغایت وسیعست و زبان فارسی نسبت به آن در حکم قطره در مقابل دریا را دارد (نک: مثل السائر، ج ۲، ص ۴۱۹ - ۴۱۸) و کتاب شرفنامه به زبان فارسی تاریخ مفصل کردستان تألیف امیر شرفحان بدلیسی چاپ مؤسسه مطبوعاتی علمی ۱۳۴۳ ش تهران با مقدمه و

تعلیقات و فهارس به قلم محمد عباسی و المنجد در اعلام چاپ ۱۶ - لبنان ۱۹۸۲ م ص ۸. یا جمیل صدقی زهاوی (۱۸۶۳ - ۱۹۳۶ م) از شعرای انقلابی معتقد به آزادی زنان، دارای اشعار فلسفی و دیوان شعر، رباعیات و کلمات منظوم که در سال ۱۳۱۳ ش و ۱۹۳۴ م در جشن هزاره فردوسی توسی در دارالفنون تهران در ایران - با احمد حامد الصراف کرد، شرکت می‌کند والی عثمانی ترک در بغداد به صدقی زهاوی و همراهانش می‌گوید: حق نداری درباره فردوسی چیزی بگوئید ولی زهاوی که دلباخته ایران و ایرانیان بوده همینکه پا به خاک ایران می‌نهد شروع به زمزمه می‌کند و در وزن اشعار شاهنامه در وصف فردوسی باینگونه می‌سراید:

به فردوسی از من سلامی برید	پس از عرض حرمت پیامی برید
که‌ای شاعر خفته در زیر خاک	نهان از نظر دور از جان پاک
سر از خاک بردار و انگه بین	چه شوری است بهرت بروی زمین
فرو ریخت اعجاز از خامهات	ببفزود از آن قدر شهنامهات
جهان برای تو جمع آمده	برای ثنای تو جمع آمده
زهر مملکت صد صدا می‌رسد	زهر سو نوایی جدا می‌رسد
چو پر شد ز شعرت زمین و زمان	ستودند نام تو در هر زبان
هزار است در قبر خود خفته‌ای	ولی زنده است آنچه تو گفته‌ای.

وقت برگشت زهاوی هم از مقام استادی که استاد فلسفه در دانشگاه استامبول بوده و هم از مقام نمایندگی که نماینده مردم در مجلس سنای ترک عثمانی بوده است خلع می‌نمایند به جرم اینکه شاعر ایرانی را ستوده است.

نک: تاریخ مشاهیر کرد بابامردوخ روحانی شیوا، ج ۲، چاپ ۱۳۶۶، ش تهران. زانایانی کورد، به زبان کردی تألیف محمد صالح ابراهیمی (شبه پوئل) ج ۶، ص ۱۲، ۱۴ و ۱۵ که آماده‌ی چاپ است. المنجد در اعلام ص ۳۳۹ چاپ ۱۶ - لبنان ۱۹۸۲ م. در

حین وفات صدقی زهاوی ملک الشعراى بهار در وصف و رثای او در بند اول ترکیب
بند خود در وصف و رثای جمیل صدقی زهاوی گرد چنین می‌سراید:

مادر حکمت بر مرگ زهاوی خون گریست
پشت خم گشت سهروردی چشم افلاطون خون گریست
حشرو و او یلاست امروز ما تمین ملک زهاو
از برای مرگ صدقی زار چون منجنون گریست
روز رستاخیز گوئی راست شد در مرگ او
آسمان گشت قیرگون بر شهر و بر هامون گریست
کی عرب را بُود حکیمی این چنین فحل و فرید
تا بگویم دجله بر مرگش امروز خون گریست
نی ز عراقست، جمیل فرزند ایرانست، پس
گفت باید ملک ایران در غمش سیحون گریست
مولد صدقی زهاوست و تبارش تُرد بُود
پور ساسانست و الوند شد غمی محزون گریست
در فراق بوحنیف در هجر مفتی و جمیل
دینور همچون زهاو خونابه گلگون گریست
کُردها را مَفخرند این نامور فرزندگان
زین سبب خُرد و کلان زان مرگ نامیمون گریست
داغ بر دل شد «بهار» در مرگ سلطان سخن
بس گریبان بر درید و دیده‌اش جیحون گریست
در رثای استاد شعر و فلسفه و حکمت ز غم
قلب او آتش گرفت و طبع او موزون گریست

گشت خالی از جمیل و ز «بهار» ملک سخن

شد خراسان چون زهاوهم خسروی افزون گریست.
دیوان ملک الشعرا بهار، (مفتی) یعنی شیخ محمد فیض زهاوی مفتی اعظم در بغداد دیار عراق.

(الوند نام رودی است از پشت کوههای (ریژاو) سرچشمه می‌گیرد و بعد از آبیاری مزروعات منطقه زهاب و قصر شیرین، رو به کشور عراق سرازیر و به آب حلوان می‌ریزد، که در منطقه سرپل زهاب در بخش ایران به الوند نام برده می‌شود. کورد می‌گوید:

الوند هنی الوند، الوند شیته‌ی چاو، و اسرین

له ریژاوه‌وه تیت له ولای قصره‌وه.

خسروی هم لقب ملک الشعرا بهار است و هم اسم شهر خسرو پرویز می‌باشد که در نزدیکی‌های قصر شیرین است. یا ابن جنی عثمان (۹۴۲ - ۱۰۰۲) که مبدع علم فقه اللغه و مؤلف سِرُّ الصناعات الاعراب، و الخصائص، و کتاب المصنف است - نک اعلام المنجد چاپ ۱۶ - لبنان ۱۹۸۲ م و ابن قتیبه ابو محمد عبدالله (۸۲۸ - ۸۸۹) دینوری مؤلف ادب الکاتب و کتاب شعر و شعراء، عیون الاخبار، و کتاب معارف و تفسیر قرآن بنام مشکل القرآن فی غریب القرآن و المشتبه من القرآن، تأویل مختلف الحدیث و کتاب المشتبه من الحدیث و القرآن - نک: اعلام المنجد چاپ ۱۶ - چاپ لبنان ۱۹۸۲ م. یا مولانا محی‌الدین خَلّاتی که در علم ریاضی و هیئت و ستاره‌شناسی متبحر بوده و در ایجاد رصدخانه در شهر مراغا در ایران و تألیف زیج و جدول ستاره‌شناسی با خواجه نصیرالدین طوسی همکاری داشته تا بلکه ایرانیان در اثر علم و دانش پا بر کُرات سماوی بنهند. یا ابن مستوفی احمد بن مبارک شرف‌الدین ابوبرکات (۵۶۴ - ۶۳۷ هـ و ۱۱۶۹ - ۱۲۳۹ م) که در اکثر علم و فنون و هنر محاسبات و مسأله دیوانی و دانش

ریاضی کم نظیر بوده و در اربل (ههولیر) مقام استیفا داشته است. اعلام زرکلی ج ۵ ص ۲۶۹ چاپ ۶ - بیروت ۱۹۸۴ م و شرفنامه تاریخ مفصل کردستان تألیف امیر شرفخان بدلیسی با مقدمه و تعلیقات محمد عباسی به فارسی چاپ ۱۳۴۳ ص ۴۶۰ و شرفنامه ترجمه به زبان کُردی توسط محقق، مترجم و شاعر نامی کُرد هزار - یا قاضی القضاة علامه کمال الدین هولیری که به قدوة المحققین و سلطان الحکما شهرت داشته که ابن خلکان می نویسد: که در ۶۱۶ قمری در شهر موصل بحضورش مشرف شدم که «در تمام علوم و فنون کم نظیر بنظر رسید. یا ابوحنیفه دینوی که سید جلال الدین تهرانی در گاه نامه سال ۱۳۰۷ ش دینوری را به یکی از ریاضی دانهای سده سیومی هجری قمری می داند که کتاب زیج و جبر و مقابله را تألیف و در گیاه شناسی متبحر، شیمی دان که در علم شیمی کشفیات نیز دارد، دینوری در علم هندسه، تاریخ بسیار دانا و آگاه و نابغه روزگار بوده که حکمت فلاسفه و بیان عرب را جمع و تجزیه و تحلیل و اختلاط را در آن بوجود آورده و قرآن را در ۱۳ جلد تفسیر نموده است. نک: اعلام زرکلی ص ۱۲۲ ج ۱ بیروت چاپ ۶ سال ۱۹۸۴ م، یا کُرد علی محمد (۱۸۷۶ - ۱۹۵۳) مورخ، ادیب، مؤلف جریده مقتبس ۱۹۰۸ م نویسنده خطط شام، تاریخ احمد بن طولون، فلاسفة اسلام، و مذاکرات (نک: المنجد اعلام ص ۵۸۶ چاپ ۱۶ - لبنان ۱۹۸۲ م. یا تاج الدین اشنوی که به شیخ شیوخ الاسلام، سلطان المحققین ملک الحکما و الواعظین، قدوة المحققین و سلطان المتکلمین، تاج الملت والدین محمود بن خداداد اشنوی کُرد که کتاب غایة الامکان فی درایة الزمان والمکان تألیف اوست و صدر پسرش شهرت آفاق دارد. (مقدمه تاریخ گزیده و تحفة العرفان و تذکره شعرا و مجموعه آثار فارسی تاج الدین اشنوی قرن ۶ و ۷ با مقدمه و تصحیح و تعلیق نجیب مایل هروی چاپ ۱۳۶۸ ش تهران - یا زین الدین آمیدی (... - ۷۱۴ ه... = ۱۳۱۴ م که خط بارزه را برای نابینایان اختراع کرده است و کتاب جواهر تبصیر در علم تعبیر خواب به زبان عربی تألیف کرده

است و به زبانهای فارسی، ترکی، رومی، مغولی و به زبان مادری کُردی تسلط کامل داشته و خیلی ذهن قوی داشته و با فراست بوده است و خود مانند لوی برای (Louis braile) فرانسوی نابینا بوده و بیشتر از ششصد (۶۰۰) سال قبل از لوی برایل فرانسوی (ت ۱۸۰۹ - وفات ۱۸۵۴م) خط را برای نابینایان اختراع کرده است.

نک: اعلام خیرالدین زرکلی چاپ ۶ - بیروت ۱۹۸۴م (نکته الهمیان ۲۰۶ و الذری الکامنة ۳: ۳۱۰ - ابن خلدون: عبدالرحمن (۱۳۳۲ - ۱۴۰۶) مؤرخ و فیلسوف و رجل سیاسی در مقدمه کتاب خود، در بحث دانش و ادب می نویسد: «در مجالس تعلیم شنیدیم: که اصول و ارکان دانش ادب چهار کتاب است ۱ - ادب الکاتب تألیف ابن قتیبه دینوری (ناحیه کرمانشاه) - ۲ - نوادر ابوعلی قالی دیار بکری: آمیدی که هر دو نفر از نژاد کُرد ایرانی هستند و بعداً ابن خلدون می فرماید: «هر کس هر چه در زمینه دانش ادب بنویسد یا بگوید: منقول و مستنبط از آنهاست. مقدمه ابن خلدون ج ۲، ص ۱۱۷۵ ترجمه به فارسی محمد پروین گنابادی مرکز انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی چاپ ۱۳۶۲ش تهران. پژوهندگان خارجی کتابهای در کردشناسی نوشته اند مانند سفرنامه که آنچه در کردستان به چشم خود، دیده اند در سفرنامه های خود آورده اند (البته نوشته های خارجی، خارج از نظر سیاسی یا اقتصادی نبوده و گاه و بی گاه مسائل غیرواقعی را مطرح کرده اند) بهرحال می توان گفت سفرنامه: کلودیوس جیمز ریچ C.J.richanar که در اواخر سده هژدهم میلادی نوشته شده است، ریچ اوضاع سیاسی و اجتماعی و جغرافیای برخی از نقاط کُردنشین ایران و عراق مانند امارت «واوان» (بابان) در کردستان عراق و امارت اردلان در کردستان ایران را به شایستگی شناسانده است.

مینورسکی V.F.Minorsky در کتاب کُردها the kurds, petrograd, 1915 و واسیلی نیکتین W.Nikitine در کتاب کُرد و کردستان، که به زبان عربی ترجمه شده است و

همچنین که محمد قاضی این کتاب را بنام کرد و کردستان به زبان فارسی ترجمه کرده است، چاپ ۱۳۶۶ ش تهران و نولدکه theodor nor noldeke، دارمستتر darmesteter و اسباخ Welssbach و زرنوف F. Zhartoe و خودزکو Khodezko، هارتمان Hartmann، درایور C.B.drivar اسکارمان Askarmann، سولاک Solack، سایس Syes، و چند تن دیگر از شرق شناسان خارجی با دید تاریخی و عقیدتی، در زمینه حیات سیاسی و اجتماعی کردها تألیفاتی دارند که بسیار سودمند است و برخی نیز تحقیقات خود را از دید سیاسی دیده‌اند. مانند لرخ Lerch و سون Soane، میلیجن Millingen و بعضی از نوشته‌های ادمونس Cecil Jodhedrnunds و در دهه‌های اخیر نوشته‌هایی چند درباره وضع اجتماعی و سیاسی کردها توسط بعضی محققان عرب، انتشار یافته است که بیشتر جنبه سیاسی داشته و خالی از هرگونه پژوهش و بررسی واقعی است، اینان سعی کرده‌اند با شناساندن کرد بصورت قومی بی‌نام و نشان و بی‌فرهنگ، موجودیت و تمدن ملت کرد را درهم ریخته تا از این آب گل آلود، به خیال ماهی بگیرند، مانند کتاب «حرکات بارزان» نوشته عزیز عقیلی و کتاب «القضية الكردية» نوشته محمود الدر و کتابهایی از این دست.

پژوهندگان کرد نیز تا اندازه‌ای توانسته‌اند فرهنگ و سرزمین خود را به جهانیان بشناسانند مانند تاریخ مفصل کردستان بنام شرفنامه تألیف امیر شرفخان بدلیسی، محمد امین زگی بیگ، توفیق وهبی، حسین حزبی مکرسانی، آیه الله شیخ محمد مردوخ کردستانی، دکتر جمال نیز، حاج توفیق پیره میرد، دکتر بلچ شیرکو، مسعود بارزانی رهبر کردستان، دکتر محمد مکرری، علاءالدین سجادی، دکتر مظهر احمد، محمد علی عونی، جلال طالبانی رئیس جمهور دولت فدرال عراق، دکتر قاسملو، خوب است یادآوری کنیم یکی از علل کثرت اخبار و روایات مربوط به ملت کرد این است که سرزمین کرد نزدیک به مفر خلافت یعنی مرکز تألیف و تصنیف بوده است از این جهت همه مورخان

ذکری از کُرد کرده‌اند و از زبان هر کسی حکایتی و افسانه‌ای را در باب آن طایفه نوشته‌اند و می‌توان گفت: اکثر افسانه‌هایی که درباره کُرد نوشته شده یک هسته تاریخی داشته‌اند، که به مرور زمان آلوده به قصص و روایات شده‌اند و همین آشفتگی و اختلافات روایات حاکی از قدمت نژاد کُرد است. برای نمونه گفته شده: کُرد باقیمانده خوراک بیور راسب (ضحاک ماردوش) است، زیرا که او فرمان می‌داد تا هر روز دو مرد را سر ببرند و برایش از گوشت آنان غذا ترتیب دهند، که فردوسی این داستان را بدینسان به نظم در آورده است: (فردوسی توسی، شاهنامه، تهران، ۱۳۱۰، ذیل پادشاهی ضحاک)

چنان بد که هر شب دو مرد جوان	چه کهنتر چه از تخمه پهلوان
خورشگر ببردی بایوان شاه	وزو ساختی راه درمان شاه
بکشتی و مغزش برون آختی	مرآن اژدها را خورش ساختی

تا دو انسان پاکیزه به نام (ارمانک و کرمانک) از این ظلم شاه سخنها گفتند و چاره‌ای اندیشیدند که یکی را آزاد می‌کردند که به کوهها برود و خود را مخفی سازد و از ناچاری یکی را سر می‌بریدند و مغزش را با مغزگوسفند بهم می‌آمیختند و خورش اژدها می‌کردند که فردوسی داستانش را آنچنان بازگو کرده است که هر انسان ریزبین و اندیشمندی متوجه وحشیگریها و سانسور شدید آن دولت غدار بگردد و همچنین فردوسی خواسته بآن شیوه لطیف، دلسوزی و شفقت خود را نسبت به کُردها که آن همه ستم و بیدادگریها بر آنان روا داشته‌اند در پیچ و خم شعر خویش آنرا بیان نماید و بگوید:

کنون کُرد از آن تخمه دارد نژاد که آباد باید بدل برش یاد

تاریخ می‌گوید: تبار کُرد پیش از فریدون و ضحاک ماردوش وجود داشته و در سده‌ی دوازده‌ی پیش از میلاد مسیح تیکلات پادشاه آشور با آنان جنگیده و آنان را به (کُرتی) نام برده است. تاریخ از دو ماد ۱ - ماد بزرگ یا عراق عجم ۲ - ماد کوچک یا

آذربایجان، ماد mad سلسله پادشاهی ایران را در سال هفت صد و پنج (۷۰۵ ق.م) قبل از میلاد، در ناحیه ماد تشکیل داد. فرهنگ فارسی دکتر معین اعلام ج ۶ چاپ پنجم سال ۱۳۶۲ ش و به روایت شرفنامه بعضی از افراد داستانی و باستانی ایران مانند «رستم» و «بهرام چوبین» و «گرگین میلاد» و «فرهاد» کوهکن کرد می‌باشند و عین نوشته امیر شرفخان بدلیسی در کتاب شرفنامه: و ظاهراً لفظ «کرد» تعبیر از صفت شجاعت است، چرا که اکثر شجاعان روزگار و پهلوانان نام‌دار از این طایفه برخاسته‌اند و لهذا پهلوان پیلتن و دلاور تهمتن رستم زال که در ایام حکومت پادشاه کیقباد بوده از طایفه گردهاست، چون تولد او در سیستان بوده به رستم زابلی اشتها یافته و صاحب شاهنامه: فردوسی توسی رحمة الله علیه صفت او (رستم کرد) کرده و در زمان ملوک عجم هرمز بن انوشیروان سپهسالار نامدار و پهلوان روزگار بهرام چوبین که در ترکستان و خراسان نشو و نما یافته و نسبت ملوک کرت و پادشاهان غور بدو می‌رسد او نیز از طبقه کردهاست و گرگین میلاد که بوفور شجاعت و فرط جلادت معروف و مشهور است، کرد بوده و الحال قریب چهار هزار سال است که اولاد و احفاد و امجاد او در ولایت لار حکومت با استقلال مبادرت می‌کنند که اصلاً تغییر و تبدیل در اوضاع حکومت ایشان نشده و گاهی صاحب خطبه و سکه بوده‌اند و اعجوبه دوران و نادره زمان سرحلقه عاشقان جفاکیش و سرخیل و فاکیشان محنت‌اندیش اعلی: نهنگ دریای محنت و پلنگ کوهسار مشقت «فرهاد» که در زمان خسرو پرویز نیز ظهور کرده از طایفه کلهر است

که لاهور که په‌نجه‌ی له په‌نجه‌ی وه‌راند هه‌موناخونی وه‌ک خه‌ره‌لوه ره‌لوه‌راند یعنی کلاهور بزرگ اهل دین آهورموزداها پنجه در پنجه او انداخت تمام ناخنهایش را مانند برگ پاییزی انداخت و نابودش کرد. نک شرفنامه به زبان کردی به تحقیق و ترجمه محقق و شاعر نامی کرد. هزارو شرفنامه به تحقیق و تعلیقات محمد عباسی تهران

۱۳۴۳ ش (۲۸ - ۳۱). لازم بذکر است مورخان نوشته‌اند کلهر از نژاد گودرز گویو می‌باشند که گویو در زمان کیانی حکومت بابل را در دست داشت، پسر گویو به نام رهام یا (مام رهام) به فرمان بهمن کیانی به شام و اورشلیم و مصر هجوم برد و آنرا بتصرف خود در آورد و بخت‌النصر لقب ابن رهام گُرد است صفحه ۲۸ و ۲۹ تاریخ اردلان به تعلیقات و تحقیقات و ترجمه به زبان گُردی توسط محقق و مترجم و شاعر نامدار گُرد عبدالرحمن شرفکندی هزار چاپ ۱۳۸۱ ش و ۲۰۰۲ م تازه نگاه - و همچنین: (ابومسلم خراسانی (ت ۱۳۷ هـ / ۷۵۵ م) که حکومت امویان را سرنگون و عباسیان را به خلافت رسانید، گُرد بوده و «ابودُلّامه» غلام منصور خلیفه دُوم عباسی که به ابومسلم دشنام داده گُرد بودن او را در شعر خود ذکر می‌کند که می‌گوید:

... أفي دولِّ المنصورِ خاؤلَّتْ غَدْرَةٌ إِلَّا أَنْ أَهَلَ الْعَدْرِ أَبَاؤُكَ الْكُرْدُ

نک رشید یاسمی، گُرد (۱۷۸ - ۱۷۹) نقل از ابن خلکان، ج ۱، تهران، صفحه ۳۰۷.
 ر.ک. ابومسلم، سردار خراسان. دکتر غلامحسین یوسفی، تهران، ۱۳۴۵ ش، ابن خلکان و فیات الاعیان، ج ۱، قاهره (۱۹۴۸ م، ۳۰۷ و کرمانشاهان، کردستان، ج ۱، تألیف مسعود گلزاری. از بانوان داره مرواری: شجرة الدرملکه المسلمین (ت ۱۱۹۶ م). از نژاد گُرد و از خاندان سلطان صلاح‌الدین ایوبی که در مصر بنام ملکه المسلمین حکومت کرده و صاحب خطبه و سگّه بوده است. نک مجله زن روز شماره (۱۱۴) اردیبهشت ۱۳۴۶ ش و مجله گرشه‌ی گُردستان شماره‌ی ۷ سالی اول مهر و آبان ۱۳۶۰ ش تهران ص ۲۸. المنجد فی الاعلام بیروت ۱۹۸۴ م چاپ ۱۶ یا عارف ربّانی ضیاء الحق حسام‌الدین چلبی که مولوی جلال‌الدین بلخی در مقدمه‌ی جلد ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ مثنوی ستایش او را نموده که در آغاز ج ۲ می‌فرماید:

چون ضیاء الحق حسام‌الدین عنان بساز گردانید ز اوج آسمان
 ای ضیاء الحق حسام‌الدین تویی که گذشت از مه بنورت مثنوی

ای ضیاءالحق حسام‌الدین راد اوستادان صفا را اوستاد
 وه چلبی تو بمعراج حق رفته‌ای، تو میری، تو دستگیری. واژه‌ی چلبی کُردی است و
 بمعنی خدا، پاک، مقدس و... واسیلی نیکتین کُرد و کُردستان ترجمه محمد قاضی چاپ
 نیلوفر ۱۳۶۶ ش تهران.

یا شیخ ابراهیم شیبانی کرمانشانی (وفات ۳۳۷ هـ) که فریدالدین عطار نیشابوری در
 تذکرة اولیاء در شرح احوال وی گفته است: «آن سلطان تصوف و برهان بی تکلف آن
 امام زمانه، آن همام یگانه، آن خلیل ملکوت روحانی شیخ ابراهیم شیبانی رحمة الله علیه
 رحمة واسعة پیر بحق و شیخ مطلق بود، مشارالیه محمود اوصاف و مقبول طوایف و در
 مجاهده و ریاضیت شأن عظیم داشت و صفویان ایران که از ۱۵۰۲ - ۱۷۳۶) در ایران
 حکومت کرده‌اند کُرد و کُرد زاده بوده‌اند.

نک شیخ صفی و تبارش احمد کسروی چاپ ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ ش)، صفوت
 الصفا نیز می‌نویسد: شیخ صفی‌الدین اسحاق اردبیلی کُرد سنجاری بوده است.
 احسان نوری پاشا در گردآوری خود بنام «تاریخ ریشه‌ی نژادی کُرد» تهمورس دیوبند
 را در بخش وابسته به داستان فریدون از شاهنامه‌ی فردوسی، بنام تهمورس کُرد می‌داند.
 در آنجا که مادر فریدون از نژاد او سخن می‌راند و می‌گوید:

تو بشناس مرز ایران زمین	یکی مرد بُد نام او آبتین
ز تخم کیان بود و بیداد بود	خردمند و گرد و بی آزار بود
ز تهمورس کُرد بودش نژاد	پدر بر پدر بر همیداشت یاد

م. اورنگ می‌گوید: «گفته‌های پژوهنده‌ی ژرف‌بین احسان نوری پاشا که تهمورس
 دیوبند سؤمین پادشاه پیشدادیان را در سروده‌ی فردوسی بنام (کُرد) میخواند، پذیرفتنی
 است. یعنی نباید او را (کُرد) یاد کرد و در شمار پهلوانان آورد، زیرا تهمورس
 پادشاه‌زاده بوده و بر ابرآئین شهریارِ پس از پدر بر تخت نشسته است، پهلوان و گرد

نبوده که از این راه به پادشاهی برسد و یا از این راه نام و آوازه پیدا کند و بدین نام خوانده شود. در شاهنامه او را دیوبند یاد می‌کند. داستان زال زر از شاهنامه این دلاور نامی را هم که از زابلستان بوده بنام (کُرد) یاد می‌کند و می‌گوید:

به گیتی در از پهلوانان کُرد
پی زال زرکس نباید شمرد

شاید برخی چنین پندارند که این واژه گرد است و بمعنی پهلوان و دلاور میباشد. اما اگر خوب باریک شویم می‌بینیم چنین نیست، زیرا این واژه پس از واژه‌ی پهلوانان آمده که به معنی گردان و دلاوران است. بنابراین نمی‌توان پذیرفت که این هر دو واژه یک معنی را برساند و هر دو در یکجا بکار رود. در اینجا می‌گویید: از میان پهلوانان (کُرد) زال زر از همه بالاتر و نیرومندتر است و کسی را با او یارای برابری نیست نک م. اورنگ کردشناسی صفحه‌های ۲۸ تا ۲۷. چاپ تهران ۱۳۴۶ ش.

محققین تاریخ بر این باورند پایه‌ی پیشدادیان و کیان که نمودار پادشاهان و دلاوران باستانی ایرانند. در کتاب شاهنامه‌ی فردوسی بر پایه‌ی نوشته‌های پهلوی از آنان یاد شده است یعنی نام و نشان و سرگذشت پادشاهان و بزرگان دو خاندان پیشدادیان و کیانیان در کتاب دینی و دانشی آویستا نوشته شده است. و فردوسی آن را با امانت نقل کرده است. در دو سوره‌ی (فرقان) و (ق) از قرآن از مردمان کنار رود (رَس): «ارس» به نام «اصحاب الرَس» یاد می‌کند که به معنی مردمان کنار رود ارس باشد، در تفسیرهای معتبر قرآن می‌گوید: رس روخانه‌ای است در آذربایجان و خوب میدانیم که بجز زردشت پیغمبر دیگر در این سرزمین پیشینه ندارد، در صفحه ۲۹۶ کتاب خلاصه الکرد و الکردستان تألیف محقق نامی امین زکی بیک نیز (دائیتیا) را رود (رس: ارس) می‌دانند، در دایرةالمعارف دکتر فرید و جدی در بخش واژه‌ی مجوس، و همچنین در دایرةالمعارف بستانی و در کتاب ملل و نحل ابوالفتح محمد بن عبدالکریم شهرستانی، ابن خردادبه، بلاذری، ابن الفقیه، مسعودی، حمزه اصفهانی، یاقوت، ابوالفدا ایوبی همه او را از آذربایجان می‌دانند. قطب‌الدین شیرازی (۷۱۰ هجری) در زیرنویس صفحه‌ی ۱۵۷

کتاب حکمة الاشراق شیخ شهاب‌الدین سهروردی چاپ ۱۹۵۲ م و ۱۳۳۱ ش که از زمان زردشت درباره‌ی فرایزدی و دو جهان اخشیجی و مینوئی سخن میراند زردشت را بنام فرزانه‌ی دانا یاد می‌کند و او را از آذربایجان می‌خواند. - دانشمندان کُرد، که زردشت را (کُرد) و آویستا را به زبان کُردی باستان دانسته‌اند، نزدیکهای ارومیه: (اورمیه: ورمی) و برخی هم گفته‌اند از آنجا به سردشت: (زردشت) کوچ کرده است اینگونه نوشته‌ها در کتابهای (کُرد و کُردستان) امین زکی بیک و کتاب سرمایه‌های هدایت و تاریخ مردوخ که هر دو به قلم دانشمند بزرگ آیه‌الله شیخ محمد مردوخ کردستانی و تاریخ ریشه‌ی نژاد کُرد نوشته‌ی احسان نوری پاشا و مجله‌ی کُردی بنام (هتاو) و کتابها و رسالات دیگر است - نک: صفحه‌های ۱۹ تا ۲۲ کتاب کُردشناسی نوشته م. اورنگ چاپ اردیبهشت ۱۳۴۶ ش و برابر ۲۵۷۹ مادی (هووخ شتر و تاریخ مردوخ یا عزیزخان سردار مگری، سردار کلّ قوای ایران در زمان ناصرالدین شاه قاجار که آب سردار و چهار راه عزیزخان در تهران بنام او و پادگار اوست، عزیزخان سردار کُرد بوده است (ت ۱۲۰۷ هق و وفات ۱۲۸۷ هق) رجال ایران دکتر بامداد، نک کتاب زنانایان کُرد در جهان اسلام ج ۱ - چاپ ۱۳۶۴ ش تهران چاپخانه‌ی مهارت صفحه‌های (۷۰۱ - ۶۹۴) نوشته‌ی محمد صالح ابراهیمی (شبه پول) و مجله‌ی یادگار در شرح حال عزیزخان مگری سردار کلّ قوای نظامی ایران - یا عشقی میرزاده محمدرضا ابن حاج سید ابوالقاسم کردستانی شاعر (و ۱۲۷۲ هس) مقت تهران ۱۳۰۳ هس / ۳۴۲ هق) این اندیشمند و شاعر و نویسنده وطن پرست و آزادیخواه و اصلاح طلب و جسور و بی‌باک و ضد شاهان مستبد، (از کردهای ایرانی بوده است، اعلام دکتر معین ج ۵ چاپ پنجم ۱۳۶۲ هس)، تهران. یا گنجعلیخان زیگ حاکم و فرمانروای کرمان و سرزمین‌های شرق ایران که گرمابه و انبار آب او بنام آثار باستانی در شهر کرمان مشهود و مشهور است که برای خوب نگه داشتن آب کفّ و دیواره‌های آب انباری مزبور را با سرب پوشانده بوده است و گنجعلیخان زیگ از عشایر بزرگ کُردهای ایرانست. شیخ عثمان وائلی بخاری در ستایش کُردها سروده است که اینک دو سه بیت از آن قصیده

طولانی در اینجا نقل می‌گردد:

أيا منزل الاكراد برکت منزلاً لنا فيه اعمار لمعارف تشرق...

یعنی ای سرزمین کردها مبارک باشی، ما را در آنجا ماه‌هایی است که در آسمان معارف می‌تابند. خوشبخت باشی ای سرزمین کرد، تو مثل باغی هستی که شکوفه‌های تحقیق، گل‌های تحقیق را در درس در آنجا مرتب ورق می‌زنند. ما بزرگانی در کردستان داریم، که هر وقت به یادشان می‌افتم، اشکم سرازیر می‌شود و دلم می‌سوزد. این هدیه‌ای از عربها به مردم شریف و با فرهنگ کردستان است. نک: کتاب کنگره بزرگداشت فرزندان کرد چاپ ۱۳۷۷ ش صفحه ۹۲ از سخنرانی دکتر یثربی رئیس دانشگاه کردستان در سنندج ایران و اعلام قاموس التراجم تألیف خیرالدین الزرکلی ج ۴ چاپ ۶ بیروت ۱۹۸۴ م صفحه ۲۰۶. یا ساروبیره سردار جنگلهای شاه اسماعیل صفوی که از کردهای بانه‌ی کردستان ایران است.

لازم بذکر است کردهای رشوند و کردهای مافی و... در استان قزوین، یا کردهای عمارلو و رودبار یا کردهای حسن کیف و کردهای گردیچال و کردهای کجور و کردهای قوچان و هزار مسجد و کردهای سبزوار و نیشابور و قم و کردهای دماوند و کردهای تهران و حومه را چگونه می‌توان از ایران جدا کرد که جداناپذیر است. از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان بهبهان دهی است بنام: کردستان Kord-estan واقع در ۱۲ کیلومتری شمال غربی بهبهان گرمسیر، یا کردیان شهرستان جهرم یا کردیان در بخش طبیات. اعلام معین، ج ۶، چاپ ۱۳۶۲/۵ ش، تهران. اینست که جناب آقای سید محمد خاتمی رئیس‌جمهور اسلامی ایران در سخنرانیهای خود درباره کردها گفته است: «کرد در موجودیت ایران حق دارد و اسلام مرهون و مدیون شرافت و جوانمردی کرد است و... اگر کردها نبودند معلوم نبود ایران امروز چه می‌شد».

گسنفون مورخ و سردار شهیر یونانی گفته است: کردها مردمان بسیار رشید و دلاور می‌باشند. - بدرخان پاشا گفته است: منم که شاه کشورم، سلطان عثمانی اگر او از من مقتدرتر است در عوض من از او شریفترم - کریس کوچرا جنبش ملی کرد، ترجمه

ابراهیم یونسی، انتشارات نگاه چاپ ۱۳۷۷ ش تهران - لورد کرزین سیاست مدار انگلیسی گفته است: کرد در مقابل دشمنان همیشه مانند دیوار فولاد بوده و نفوذناپذیر است. نادرشاه افشار که خود از عشایر کرد قراخلو میباشد در مقابل جنگجویان کرد سر تعظیم فرود آورده است. نک: نوشته‌های ناصر آزادپور - میرزا محمد حسینخان مستوفی گفته است: صد سوار کرد برابر است با هزار سوار غیر کرد. امیر حسینخان کرد زعفرانلو رئیس کردهای قوچان گفته است: ما همیشه در مقابل دشمن جانانه ایستاده‌ایم، ماکه دوغ نیستیم دشمن ما را بیاشامد. اکنون زمان آن فرار سیده است که با قانون شورا و عدل و قسط اسلامی باکردها رفتار گردد و برای ارتقای فرهنگ قومی و فرهنگ ملی در دو سطح باید اقدام کرد، اولش فراهم کردن زمینه ذهنی مناسب که من بعنوان فارس با نگاهی منفی و کلیشه‌ای منفی به کرد، بلوچ، آذری و ترکمن نگاه نکنم و متقابلاً ترک به کرد یا به فارس بعنوان منفی یا دشمن نگاه نکنند، یعنی رفع زمینه ذهنی نامناسب یا مناسب کردن زمینه‌های ذهنی و برای ارتباط فرهنگ قومی و ملی، این زمینه‌ی اولی و زمینه‌ی دوّمی فراهم کردن ارتباط و تبادل عینی یک قوم از قوم دیگر، یک ملیت از ملیت دیگر و تعصب و رفع تبعیض در این راه. بامید توفیق. دیگر زمان آن گذشته که چینیا برای نابود کردن سه تا پنج هزار ایرانی در یک قطعه کوچک (کاشغر) بیست هزار چینی را در آن تزریق کرد. زمان زمان گفتگوی تمدنها و صلح و سازش است. نک: کتاب حرکت کرد به خراسان تألیف کلیم‌الله توحیدی، کتاب کوزانی فرهنگ زبان کردی چاپ ۱۳۷۹/۱۱/۱۵ ش تهران چاپ اندیشه. تألیف دکتر محمد صالح ابراهیمی (شبه پوئل) تهران.